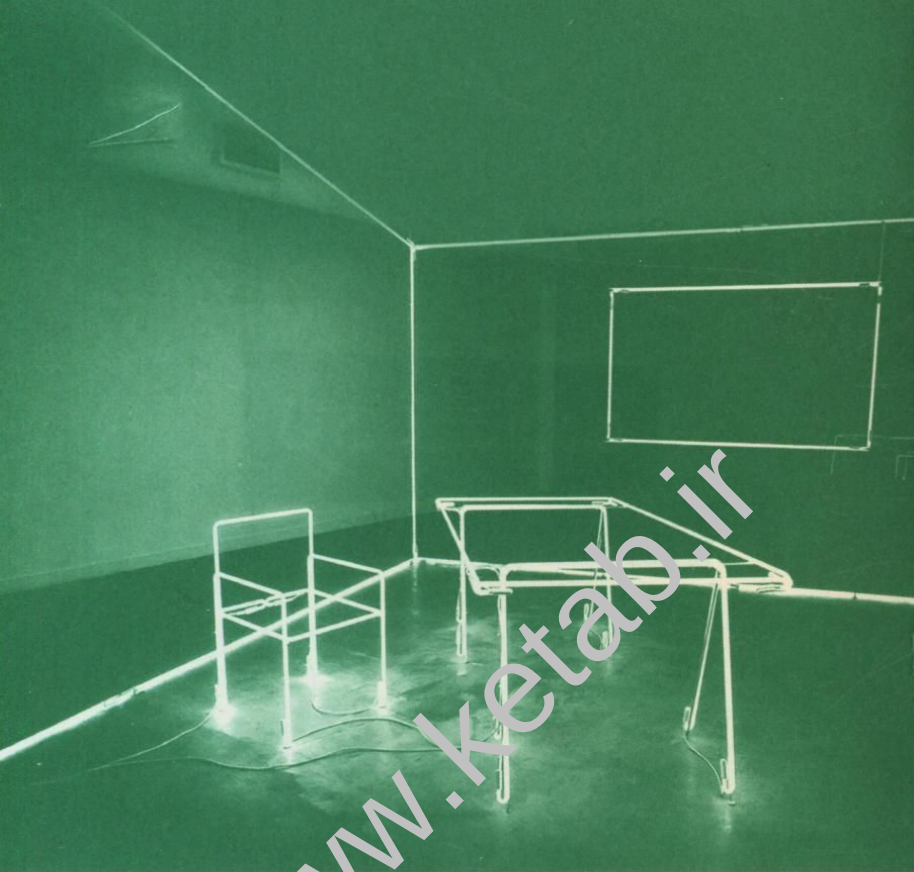




نزدیکِ ایده

درباره‌ی مکان‌ها و نامکان‌هایی

که در آن‌ها فکر می‌کنیم



گردآوری: زیمونه یونگ و یانا مارلنه مادر
ترجمه‌ی ستاره نوتاج

عنوان و نام پدیدآور: دیک ایده: درباره‌ی مکان‌ها و نام‌کن‌هایی که در آن‌ها فکر می‌کنیم /

گرتزداوی: زیمونه یونگ و یانا مارلنه مادر؛ ترجمه ستاره نوتاج

تهران: نشر اطراف، ۱۴۰۲.

مشخصات نشر

۱۷۶ص.

مشخصات ظاهری

۷۸۰۶۰۶۱۹۴/۲۰۳

شابک

Denkräume: Von Orten ۴ عنوان اصلی

یادداشت

درباره‌ی مکان‌ها و مکان‌هایی که در آن‌ها فکر می‌کنیم

عنوان دیگر

اندیشه و تفکر.

موضوع

نوتاج، ستاره، ۱۳۶۷، مترجم.

شناسه افزوده

BF۴۴۱

رده بندی کنگره

۱۵۳/۴۲

رده بندی دیویی

۹۴۰۲۹۹۹

شماره کتابشناسی ملی

۲۵۳۶۰۵۲

نزدیک ایده

دریاری مکان‌ها و نامکان‌هایی که در آن‌ها فکر می‌کنیم

گردآوری: زیمونه پیونگ و یانا مارلنه مادر

ترجمه‌ی ستاره نوتاج

ویرایش: الهام شوشتری‌زاده

عکس، جلد: Massimo Uberti

راهنای جلد و صفحات داخلی: کارگاه اطراف

چاپ: کاج صحافی: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۹۴-۷۲۰۳

چاپ چهارم: ۱۴۰۳، ۱۰۰۰ نسخه



اطراف

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای «نشر اطراف» محفوظ است. هرگونه تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر (چاپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی) بدون مجوز کتبی ناشر ممنوع است. نقل پرش‌هایی از متن کتاب با ذکر منبع آزاد است.

تهران، خیابان میرداماد، خیابان مصدق جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۱،

تلفن: ۲۲۹۰۲۹۷۵

Atraf.ir

فهرست

- کاش چرچیل درباره‌ی آشپزخانه‌ها
۲۳ هم حرف می‌زد
هانا انگلمایر، کاترین پسینگ
- صومعه‌ها هرگز ناامیدت نمی‌کنند ۴۷
بیرته مولیف
- مسئله فقط خود قهوه نیست ۶۷
اسون هانوشک
- گرشمن امن کافه‌های شلوغ ۸۱
کارولین امکه

www.ketab.ir

نامکانی مثل قطار شهری ۹۳

نورا اشترنفلد

تماشای زندگی از فاصله‌ای به نازکی شیشه ۱۰۵

ریاب حیدر

در مرز فضای میان ستاره‌ای ۱۲۱

برنت بوزل

گزینش در دانشگاه ۱۳۷

آن کاین

آیا زندان کیفیت است یا همان را تغییر می‌دهد؟ ۱۵۹

مشاله تولو

www.ketab.ir



یادداشت ناشر

نزدیک ایده قرار نیست. مثل کتاب‌های خودیاری، روش‌های تمرکز و بهینه‌سازی مسیر تفکر را به ما بیاموزد. متن‌های این کتاب، بیش از آن‌که ما را با مکان‌های مناسب یا نامناسب فکر کردن آشنا کنند، فراخوانی هستند به اندیشیدن درباره‌ی اندیشیدن.

نزدیک ایده پاسخ روزنامه‌نگاران، متفکران و نویسندگان به این پرسش است: «کجا می‌اندیشید؟»

«مکان اندیشیدن چه تأثیرهای کمی و کیفی‌ای بر افکار و ایده‌ها دارد؟» هشیاری درباره‌ی بستر شکل‌گیری ایده کمک‌مان می‌کند تا مسیری برای پروراندن اندیشه‌هایی که خودآگاه و ناخودآگاه درگیرشان می‌شویم، بیابیم و قدم به قدم در مسیر شناخت هویت، عادت‌ها و گرایش‌هایمان پیش برویم.

نشر اطراف این کتاب را تقدیم می‌کند به همه‌ی آن‌ها که هنوز تسلیم انفعال و سکون نشده‌اند و در مکان‌ها و موقعیت‌های ساده‌ی روزمره هم ایده‌های درخشان را جست‌وجو می‌کنند.

یادداشت مترجم

بچه که بودم، زیاد روی حاشیه‌ی قالی راه می‌رفتم. الان که فکرش را می‌کنم، انگار قدم زدن روی این چهارچوب رنگی کمک می‌کرد بافه‌ی افکارم از هم شکافته شود. ذهنم آزاد می‌شد تا به چیزهایی بپردازد که باید. هنوز هم خیلی وقت‌ها برای تحلیل فکرها باید قدم بزنم. در هر صورت، فکز جسم من را به چه قدری مکانی دچار می‌کند. میشل دو مونتنی جایی می‌گوید «وقتی انکارم را می‌نشانم، به خواب فرو می‌روند؛ اگر پاهایم ذهنم را جابه‌جا نکنند، برجایش ثابت می‌ماند.» از نیچه هم نقل می‌کنند که «هیچ فکری را که در فضای باز و هنگام حرکت پدید نیامده باشد، نباید جدی گرفت.» روبرت والزر، نویسنده‌ی مشهور آلمانی، هم می‌گفت ایده‌ها، جرقه‌های الهام و بارقه‌های نور هنگام راه رفتن بر او پدیدار می‌شوند. به روایتی، مکتب فلسفی مشاء (یعنی راه‌رونده) را به این دلیل چنین نامیده‌اند که ارسطو هنگام تدریس فلسفه قدم می‌زد و حین راه رفتن سخن می‌گفت.

پس اگر حرکت عاملی برای به جریان افتادن فکر باشد، پیش از هر چیز باید جهان تفکر را ماهیتی مکان مند بدانیم. مکان ها چگونه چشم اندازهای فکری ما را شکل می دهند؟ آیا می توان رد پای ایده ها را در مکان هایی که در آن ظهور و بروز می یابند، پیدا کرد؟ پاساژهای پاریس چه خاطراتی از قدم زدن های شارل بودلر دارند؟ نسبت میان خیابان های این شهر و پرسه زنی های والتر بنیامین چیست؟ آیا این مسئله با درباره ی ارتباط معماری و تفکر حرفی برای گفتن دارند؟ آیا محل دفتر کار زیگموند فروید نقشی در ظهور نا آگاه در فرایند روان کاوی بازی می کند؟ آیا روح هستی و زمان هنوز در کلبه ی مارتین هایدگر در روستای ترن و برگ جاری است؟ آیا خاطره ی دیدار هایدگر و پل سلان و قدم زدن شان هنوز در نگفرش های این روستا برجای مانده است؟ موضوع اصلی این کتاب «جایی است که افکارمان در آن شکل می گیرند. همه ی ما ساعات بسیاری از روز را درگیر افکار مختلفی هستیم، با خود حرف می زنیم، دراز می کشیم و پاسخ می دهیم. اصلاً شاید خیلی از ما بیشتر دنبال جای برای فکر نکردن باشیم تا مکانی برای فکر کردن. هانا آرنست می گوید: افکار در تنهایی و در گفت و گو با خویشان ظهور پیدا می کنند، ولی در ادامه توضیح می دهد که در این مکالمه ی درونی، ارتباط ما با جهان بیرون و انسان های دیگر قطع نمی شود و صدای آن ها هم در گفت و گوی ذهنی ما با همان خودی که با او سخن می گوئیم، طنین می اندازد. پس افکاری که از ذهن ما می گذرند از جهان بیرون جدا نیستند. همچنین افکار ما در قالب های مختلفی ظهور و بروز می کنند، مثلاً هنرمندان تجسمی خیلی وقت ها با دست می اندیشند. آن ها نقاشی

می‌کنند، مجسمه می‌سازند و آثار گوناگونی می‌آفرینند. ساعت‌ها و روزها به کار دستی می‌پردازند و به این شیوه اندیشه می‌ورزند. در طول تاریخ هم متفکران بسیاری درباره‌ی مکان‌مندی تفکر صحبت کرده‌اند، از جمله ابن‌سینا و دکارت که هر کدام به نحوی پرسیده‌اند آیا انسان بی‌مکان اساساً می‌تواند بیندیشد. عده‌ای همچون کانت پاسخ داده‌اند که مکان (وزمان) پیش‌فرض‌های تفکر ما هستند و مقدم بر تفکرند. بدون این دو، اندیشه‌ای رخ نمی‌دهد. هایدگر هم وحرد هر چیز را در گروی داشتن جا و مکان می‌داند. اندیشه‌ها - ماه سطحی و دم‌دستی و خواه عمیق و پیچیده، خواه منطقی و سنجیده - خواه خیال‌ورزانه و رؤیاگونه، در هر شکل و شمایلی باید جا و مکان داشته باشند. فرایند فکری نیازمند مکانی است که فکر در آن شکل بگیرد، بی‌پدید بیاید، پرورش یابد و احتمالاً بارها و بارها سبک و سنگین شود. مکان‌هایی هستند که الهام‌بخش تفکرند، تنش‌هایمان را کاهش می‌دهند و افکار پریشان ما را به هم پیوند می‌زنند؛ جاهایی که در آن‌ها ناگهان می‌بینیم چطور ایده‌هایی که دور از هم به نظر می‌رسند، می‌زنند کنار هم بنشینند. جاهایی که هم به فکر فضای کافی می‌بخشند و هم آن را رها می‌کنند یعنی قلمروی امکاناتش را گسترش می‌دهند و اجازه می‌دهند مرزها را درنوردد. برای شکل‌گیری ایده، از یک سو باید ارتباط مستقیمی با واقعیت داشت، باید زندگی روزمره را تجربه کرد، کتاب خواند و فیلم دید، به موزه و گالری رفت، باید به موسیقی گوش کرد و با دیگران حرف زد. درک تجربی جهان و حیرت و لذتی که از آن ناشی می‌شود بنیاد فرایندهای فکری است. از سوی دیگر، فکری

که تازه متولد شده باید ورز داده شود و قوام بیاید و برای این کار باید از واقعیت فاصله بگیریم. در همین فاصله است که مکان فکری پدیدار می شود. این مکان ها هم به واقعیت تعلق دارند و هم ندارند. در این جاها می شود بدون آن که از موضوع فکرمان کاملاً دور شویم، از آن فاصله بگیریم و درون خود با آن دست و پنجه نرم کنیم.

مضمون اصلی این کتاب را وام دارابی واربورگ (۱۸۶۶-۱۹۲۹)، نظریه پرداز فرهنگی و مورخ هنر تأثیرگذار آلمانی، هستیم. او بود که عبارت Denkraum را مطرح کرد که می توانیم آن را به صورت لفظی به «مکان فضای فکری» ترجمه کنیم. منظور او فضاهای ذهنی بود، جهان های نمادین یا سپهر فرهنگی گسترده تری که بر شکل گیری افکار افراد جامعه و شیوهی درک شان از جهان پیرامون تأثیر می گذارند. پس به این معنا مکان فکری همه جا و هیچ جاست، نزد ما و نیز بیرون از خودمان. در فضاهایی که پیرامون مان ایجاد می کنیم و جوامعی که تشکیل می دهیم. در لحظات خلوت سکوت و تأمل یا همفکری با دیگران در جمع. مکان فکری جایی است که با خلاقیت و تفکر انتقادی، امکانات بی شمار ذهن مان را تحقق می بخشیم. جستارهای این کتاب تلاشی هستند برای پرداختن به مکان های آشنا و ناآشنایی که در آن ها می اندیشیم. در این مجموعه نویسندگان، روزنامه نگاران و فیلسوفان دربارهی مکان های فکری محبوب خود برای ما نوشته اند.

اما جغرافیای فکر، این موضوع جالب و مهم، تنها دلیل من برای انتخاب این کتاب نبود. آنچه بیش از هر چیز در مواجهه با ادبیات، اندیشه و فرهنگ آلمانی همواره توجهم را جلب می کند،

دیدگاه انتقادی و بازنگری‌های دائمی آلمانی‌هاست. صد البته که آلمان همواره خاستگاه اندیشه و تأمل بوده است. متفکران این کشور در طول تاریخ هیچ امری را بدیهی و مسلم فرض نکرده‌اند. از پرسش‌های بنیادین کانت گرفته تا طنز سیاه برشت، آلمانی‌ها همواره در حال بازنگری در هنجارهای فرهنگی و هنری خود هستند. این رویکرد بی‌طرفانه گاه در قالب تحلیل جدی و گاه در لفافه‌ی طنز همه‌پیز را از دم تیغ نقد می‌گذرانند و هیچ‌کس و هیچ‌چیز را در امان نمی‌گذارند. در فرهنگ فکری پویای آلمانی، فرایند آموزش همواره در پرتو تردید، افرادی است که هم تحلیل می‌کنند و هم می‌توانند همه‌چیز و همه‌کس را به پرسش بکشند. نویسندگان این کتاب بسیاری از بنیادهای فکری و فرهنگی سرزمین خود را نقد می‌کنند؛ از نهادی ستبر همچون دانشگاه گرفته تا سخنرانی‌های علمی و موعظه‌های کلیسا. حتی پای فلسفه را به میان می‌آورند و فیلسوف مهمی چون آدورن را هم به بوتی نقد می‌کشند. در یکی از جستارهای کتاب، نگرش علمی آلمانی‌ها به آن شهروندان هم‌با چاشنی طنز به چالش کشیده می‌شود. پس این کتاب دعوتی است به اندیشیدن، به بازنگری و تأمل در تمام اصول بدیهی و بنیادین. ممکن است این پرسشگری مداوم برای برخی ناخوشایند به نظر برسد ولی تکامل و رشد بشر در گروی همین گفت‌وگو انتقادی است. در نهایت پیشرفت واقعی اغلب با شک و تردید به خودمان آغاز می‌شود.

ستاره نوتاج

زمستان ۱۴۰۲

پیش‌گفتار

همچون بسیاری کارهای دیگر، همه چیز از یک فکر شروع شد. از این فکر، طرحی شکل گرفت و از طرح کتابی. ما دو نفر اغلب درباره‌ی جاهایی که در آن‌ها می‌اندیشیم می‌نویسیم، با هم حرف می‌زدیم و عکس‌شان را برای هم می‌فرستادیم. در آن دوره یکی از ما درگیر پروژه‌ای پژوهشی در هامبورگ بود و دیگری پس از نوشتن آخرین رمانش، دوره‌ی دکتری را در مونیخ شروع کرده بود. از چیزهای مختلفی حرف می‌زدیم، میز تحریر کلاسیک در خانه؛ دفتر کار پراز کتاب، یادداشت و کاغذ؛ سفری به قصد نوشتن و میز تحریر کوچک گنجینه‌دار ویلای تابستانی؛ میز تاشوی قطار؛ نیمکت لب ساحل. وقتی در پایان تابستان با هم در کوهستان پرسه می‌زدیم، کنار دریاچه تصمیم گرفتیم این فکرها را منتشر کنیم. درباره‌ی بعضی چیزها بیشتر صحبت کردیم، درباره‌ی نوشتن به طور کلی

و اندیشیدن به طور خاص. کجا، کی و در چه شرایطی. درباره‌ی شرایط دشوار و ترس‌های وجودی حرف زدیم، درباره‌ی تردید و درنگ هنگام اندیشیدن، سکوت هنگام نوشتن، درباره‌ی لحظه‌ی دریافتن. سپس یک باره و بی مقدمه ایده‌ی این کتاب شکل گرفت: از دیگران دعوت می‌کنیم درباره‌ی مکان‌های شخصی خودشان که در آن‌ها می‌اندیشند، تأمل کنند.

هر یک از نویسندگان دووجهی بود - چیزی میان علم و روزنامه‌نگاری، علم و ادبیات - سریع فهمیدیم باید از چه کسانی دعوت کنیم برایمان حرف بزنند: دانشمندان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان؛ همان کسانی که افکارشان را به نوشتن تبیین می‌کنند و روی کاغذ یا صفحه‌ی نمایشگر می‌آورند.

می‌دانستیم آن‌ها باید ذهن و بردان متفکری باشند که درباره‌ی کنش‌های خودشان می‌اندیشند؛ کسانی که خود و محیط پیرامون‌شان را مشاهده می‌کنند و نتایج این مشاهده را بر زبان می‌آورند. باید میان‌شان هم جوان باشد و هم سالخورده. باید اهل جاهای مختلفی باشند. باید ناهمگون و سرکش باشند. فوراً یاد نویسندگانی افتادیم که مدت‌ها با ما همراه بوده‌اند و ما را به تأمل واداشته‌اند؛ صداهایی عمومی که گفتمان امروز را شکل می‌دهند؛ کسانی که در کشاکش رشته‌ها، حوزه‌ها و فرهنگ‌ها، به رغم تمام تفاوت‌هایشان، در این توانایی اشتراک دارند که خود و مناسباتی که در آن می‌زیند و می‌نویسند را درک کنند و نقادانه به آن بیندیشند. همچنین برایمان روشن بود که فکر کردن و نوشتن صرفاً در مکان‌های مألوف مثل پشت میز یا در کتابخانه رخ نمی‌دهد، بلکه

این مکان‌ها بسیار گوناگون‌اند و چه بسا که اساساً برای تفکر در نظر گرفته نشده باشند. در اصل، تفکر می‌تواند هر جا و هر زمان رخ دهد. همچون ما دو نفر که کنار دریاچه فکر کردیم و ایده گرفتیم. در حرکت، در گفت‌وگو، در کنار هم بودن و در فضاهای بینابینی که فقط در دل فرایندها سر بر می‌آورند، مکان و شیوه‌های بسیاری برای فکر کردن و نوشتن وجود دارد. در این معنا، فضای فکری یعنی تمام مکان‌های ممکن که در آن‌ها اندیشیدن و نوشتن تحت شرایط خاص و به راه و روشی خاص رخ می‌دهد. به این ترتیب، پای فرایندهای تجربه‌ی زیبایی‌شناختی و جاهایی که در نگاه نخست نامرتبط به نظر می‌رسند هم به میان می‌آید: برای مثال، حس سرمستی ناشی از به یاد آوردن خاطرات. این‌طور است که مفهوم فضای فکری به استعاره تبدیل می‌شود. حالت‌های بدنی، روال‌ها و فرایندهایی تصورناپذیر، این استعاره ظهور و بروز می‌یابند که نمی‌شود آن‌ها را به مکان‌های مألوف و یا، تعبیری همچون روح، عقل یا فهم تقلیل داد.

مکان‌ها، به معنای دقیق کلمه، فقط با مرزکشی بدست می‌آیند. مرزی کشیده می‌شود و فضای داخل را مشخص می‌کند و خود این مرزکشی موجب شکل‌گیری فضای دومی هم می‌شود. مرزها مکان‌هایی پدید می‌آورند که در آن‌ها زندگی می‌کنیم، کار می‌کنیم، می‌اندیشیم و می‌نویسیم. مرزها ما را از بیرون جدا می‌کنند تا تمرکز کنیم. در عین حال، ما همواره با بیرون پیوند داریم. می‌توان گفت ساختار مرزها دو وجه دارد: مرزها امکاناتی را به روی ما می‌کشایند و نیز از امکاناتی محروم‌مان می‌کنند؛ چیزهایی را در بر می‌گیرند و

در را به روی چیزهای دیگر می‌بندند؛ جدا می‌کنند و در عین حال پیوند می‌زنند.

خودمان هم از گستردگی مکان‌ها و تنوع شیوه‌های اندیشیدن و نوشتن نویسندگان این مجموعه شگفت‌زده شدیم. آن‌ها ما را با خود به آکادمی، به دانشگاه و سخنرانی، بردند و امکانات و مرزهای اندیشیدن در این نهاد را به ما نشان دادند. گذاشتند آن‌ها را هت‌آ‌م اندیشیدن در آشپزخانه یا گوشه‌ای از خانه تماشا کنیم و در ریج‌رسمستی لحظه‌ی یافتن همراه‌شان شویم. در این مجموعه از فضاهای اشغال‌نشده و نامکان‌ها سخن می‌رود، از مکان‌های فرازمینی و مجازاتی آزاد، از مکان‌های حمل‌شدنی و مکان‌های ناپایدار. در این پرسه‌های ادبی هم با تجربه و خاطرات نویسندگان آشنا می‌شویم و هم با نظم و انضام اندیشیدن. اندیشیدن هنگام کار و در زندگی روزمره به شدت بی‌جنب و جوش ظاهر می‌شود: فضای کار و معاشرت به مکانی برای اندیشیدن بدل می‌شود و مناسبات روزمره موضوعیت اجتماعی پیدا می‌کند. تجربه‌ی زیبایی‌شناختی حال‌وهوایی پدید می‌آورد که در آن، اندیشه‌های جدید درباره‌ی بافت اجتماعی یا زندگی شخصی شکل می‌گیرند و پیاده‌روی و پرسه‌زنی قدرت مشاهده و ادراک را بیشتر می‌کند و تصویری از شهر پیش چشم‌مان می‌گذارد که تا به حال ندیده‌ایم.

در این میان، اندیشیدن و نوشتن مشارکتی نقشی اساسی بازی می‌کند، که البته به ارتباطات آنلاین محدود نمی‌شود. حتی زمانی که هنگام اندیشیدن تنهایییم، اندیشه‌های دیگران نیز اغلب حضور دارند، مثلاً زمانی که صدای کتاب‌ها در ذهن‌مان طنین‌انداز

می‌شود، وقتی پس از گفت‌وگویی با خودمان به چیزی پی می‌بریم، وقتی با دیگری در اتاقی نشسته‌ایم، یا هنگام گوش دادن به جریان آب زیر دوش حمام. چه در خانه و چهاردیواری خودمان و چه در فضای عمومی، اندیشه‌ها بی‌خبر می‌آیند و می‌روند. ایده‌ها معمولاً زمانی شکل می‌گیرند که انتظارشان را نداریم، وقتی روی آن‌ها حسابی باز نکرده‌ایم، وقتی که فکرش را هم نمی‌کنیم: در زمان استراحت، لابه‌لای حواس‌پرتی‌ها و خاطره‌بازی‌ها. و در نهایت، جستارهای این کتاب لحظه‌هایی شگفت‌انگیز را به همراه می‌آورند که در آن مکان‌های اسارت، چه استعاری و چه واقعی، مکان‌هایی برای خلاقیت و راهی می‌شوند.

فضاهای فکری بسیار متنوع و گوناگون‌اند و قالب‌های بازنمایی آن‌ها نیز همین‌طور. در این محله با نوشته‌های گوناگونی مواجه می‌شویم، از حکایت و مشاهده‌ی خودنگارانه گرفته تا تصویر فکری و جستار. خیلی وقت‌ها چند سبک و زاویه در یک متن با هم می‌آمیزند و در نهایت، «خرده‌قالب»‌هایی می‌سازند که از دیب قدرت تخیل و شیوه‌های گوناگون اندیشیدن و نوشتن ادبی، روزنامه‌نگاری، و علمی، شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرند.

به این ترتیب چشم‌اندازی جدی و در عین حال دلپذیر از فضاهای فکری معاصر شکل می‌گیرد؛ مکان‌هایی که در قرن بیست و یکم با فرایندهای دیجیتال‌سازی، ماشینی‌شدن، مهاجرت و جهانی‌سازی به چالش کشیده شده و مدام از نو تعریف می‌شوند. اندیشیدن به اندازه‌ی زمانی که در آن رخ می‌دهد، پیش‌بینی‌ناپذیر است. رخدادهایی همچون جنگ و همه‌گیری بیماری که

یک باره مکان‌های اندیشیدن ما را تغییر می‌دهند، گواهی بر همین موضوع‌اند. در زمانی که این متن را می‌نویسیم، به دلیل همه‌گیری کرونا دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها بسته شده‌اند، باشگاه‌ها و کافه‌ها تعطیل‌اند، و خیابان‌ها خالی‌اند. ما به درون خود پرتاب شده‌ایم و در عین حال، تنها نیستیم.

این مجموعه قصه‌ی جهان و فرهنگش را روایت می‌کند؛ روایتی که نتیجه‌ی آن قدمتی طولانی دارد. در اندیشیدن و نوشتن، به‌رغم تفاوت‌ها، چیزی واحد پدیدار می‌شود؛ چیزی که می‌توانیم آن را در قالب متن منتقل کنیم. دست‌کم ما هنگام خواندن این مجموعه چنین برداشتی داشتیم، فارغ از این‌که متن‌ها از فضای آکادمیک می‌آمدند یا از فرهنگ عامه، از بافت بومی خودمان یا از کشورهای دوردست، در مشارکت با دیگران، پدید آمده بودند یا در انزوا. در تمام متن‌های این کتاب چیزی پدیدار می‌شود؛ چیزی که می‌توان آن را کمابیش جهانی خواند: همسانی در تفاوت.

ز مونه بونگ و یانا مارلنه مادر

همبوند نیویورک، مارس ۲۰۲۰